



به نام خداوند بخشنده و مهربان

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

تهیه و تنظیم

دکتر زهرا کاظمی زاده

فلسفه

❖ فلسفه

- واژه فلسفه از ریشه یونانی «فیلو» و «سوفیا» ساخته شده است.
- فیلو پیشوندی است به معنی دوستداری و سوفیا یعنی دانایی.
- فلسفه؛ دوستداری دانایی
- ✓ این واژه دقیق و راهبر به معناست. زیرا هم خاستگاه و هم مقصد فلسفه را روشن می‌کند.
- ✓ خاستگاه فلسفه، عشق و مقصد آن، شناسایی ذات چیزها است؛ یعنی رسیدن به روشنائی بودن

❖ فلسفه (فلسفیدن)

فلسفیدن حالتی است از زندگانی که رنگ ممتاز آن توجه به شناسایی است و فلسفه نتیجه حالت فلسفیدن است.

- ژرف اندیشی و سنجش خردمندانه

- شناسایی؛ راه بردن به معنا، حقیقت و ذات چیزها یا کارها

❖ نموده‌های فلسفه:

- بودن‌شناسی، دانش‌شناسی، اخلاق، منطق، روش‌شناسی


- سنجش فلسفی مفهومی‌های زندگانی نظیر سیاست، دین، علم، هنر، تاریخ، تربیت و... به صورت بخش‌هایی نظیر فلسفه زندگانی، فلسفه سیاست، فلسفه دین، فلسفه علم، فلسفه هنر، فلسفه تاریخ و فلسفه تربیت.

تربیت

ریشه تربیت سه حرف «ر ب و» و واژه «رَبَّوْ» است.

این واژه به باب تفعیل در ثلاثی مزید برده شده است که متعدی است؛ یعنی ربا، یربی، تربیه (شریعتی، ۱۳۹۱: ۶۱).

تربیت از ریشه «رَبَّوْ»، در لغت یعنی «غذا دادن و بزرگ کردن» و در اصطلاح «مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقاء و اکمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در متربی صورت می‌پذیرد (بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۴).



تربیت، فرایند تعامل میان عوامل تربیت و متربیان است که از روی آگاهی و اختیار به صورت پیوسته، نظام‌دار و هدفدار در جهت تغییرات تدریجی و فراهم کردن زمینه‌های رشد و شکوفایی تمامی استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان در همه ساحت‌های وجودی او جریان دارد و هدف از آن دستیابی به کمال و سعادت مطلوب در دنیا و آخرت است (بهشتی، ۱۴۰۰: ۱۱).

تعلیم و تربیت اسلامی

- ❖ در تعریف تعلیم و تربیت اسلامی ذکر چند مقدمه ضروری به نظر می‌رسد:
- تعلیم، مقدمه تربیت است، اما تربیت مقدم بر تعلیم است.
- مقدمه بودن تعلیم برای تربیت از نوع مقدمه اعدادی و از سنخ علت ناقصه است نه علت تامه. پس تربیت در مقام ثبوت و نفس الامر، بدون تعلیم واقع نخواهد شد، اما تعلیم باز هم در مقام ثبوت و نفس الامر، می‌تواند بدون تربیت واقع شود.
- مقدم بودن تربیت بر تعلیم، از نوع تقدم رتبی است نه تقدم زمانی. تعلیم و تربیت در مقام ثبوت معیت زمانی دارند.
- در نتیجه، تفکیک تربیت از تعلیم، تفکیک اثباتی و ذهنی است، نه ثبوتی و خارجی.

وقتی که می‌گوییم تعلیم، در مقام ثبوت، می‌تواند بدون تربیت واقع شود، تربیت را فراتر از مفاهیم تربیت‌نما از قبیل تلقین، تعوید (عادت دادن) تحفیظ و مانند آن و مفاهیم تربیت ستیز از قبیل تضلیل (گمراه ساختن) تلویث (آلوده ساختن)، تهویس (به هوس افکندن) و مانند آن می‌دانیم.

اعمال تربیت‌نما و تربیت ستیز گاه جنبه بینشی (مانند تلقین)، گاه جنبه گرایشی (مانند تهویس یا به هوس انداختن) و گاه جنبه کنشی (مانند تعوید یا عادت دادن) دارند و در یک جمع بندی کلی‌تر، می‌توان آنها را در دو طبقه «نظری» و «عملی» جای داد.

تربیت، در سه ساحت وجودی انسان جلوه‌گر می‌شود: بینش‌ها یا ادراکات، گرایش‌ها یا تمایلات و کنش‌ها یا اقدامات.

در نگاهی جامع‌تر، تعلیم و تربیت با چهار ساحت شخصیت آدمی سروکار دارد: ادراکات، تمایلات، تصمیمات (عزم و اراده) و اقدامات.

تعلیم و تربیت یا تربیت، در عین وحدت، کثرت و در عین کثرت وحدت دارد و دارای تشکیک‌مندی خاصی است (بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۶).

✓ تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان کامل‌ترین الگوی تعلیم و تربیت عبارت است از: هر گونه اقدام هدایت‌گرانه که به منظور ایجاد، ابقاء و اکمال استعدادهای ادراکی، میلی، ارادی و عملی متربی در چهار حوزه ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با جهان بر مبنای قرآن، سنت و عقل به سوی هدف غایی قرب مطلق الهی انجام می‌شود (همان: ۱۷).

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

➤ در نگاهی کلی به اصطلاح فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی می‌توان از دو گروه سخن گفت:

۱. کسانی که **مخالف** کاربرد این اصطلاح هستند. اینان همان کسانی هستند که حتی با کاربرد واژه فلسفه (چه رسد به محتوای دانش فلسفه) و لذا فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی مخالفت می‌ورزند و عناوین دیگری مانند «آیین تربیت اسلامی» (منهج التربیه السلامیه) را ترجیح می‌دهند نظیر محمد قطب و علی احمد مدکور

۲. کسانی که **موافق** کاربرد واژه فلسفه در این اصطلاح هستند. نظیر عمر التومی الشیبانی، عبدالحمید الصید الزنتانی و ماجد عرسان الکیلانی

➤ با فرض قبول یا جواز کاربرد واژه فلسفه و لذا فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، می‌توان با توجه به دو پیشوند و پسوند آن (یعنی فلسفه و اسلامی) ۲ گونه قرائت کلی از آن به دست داد:

۱. فلسفه در حالت مضاف به تعلیم و تربیت اسلامی
(فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی)

۲. فلسفه تعلیم و تربیت در حالت اوصاف به وصف اسلامی
(فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی)

فلسفه در حالت مضاف به تعلیم و تربیت اسلامی

طرفداران این گونه قرائت با توجه به ۲ مناط «رویکرد محتوایی» یا «رویکرد روشی-ساختاری» به جزء مضاف (فلسفه) در اصطلاح فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی را به سه گروه می‌توان تقسیم نمود:



۱. کسانی که از جزء مضاف در این اصطلاح، تلقی صرفاً یا عمدتاً **محتوایی** دارند: این گروه را می‌توان به ۳ زیر شاخه بخش کرد:

- مدافعان مبنا قرار دادن **متون اسلامی** (قرآن و احادیث نبوی): نظیر ماجد عرسان کیلانی

- مدافعان مبنا قرار دادن **فلسفه اسلامی**: نظیر عمر التومی الشیبانی

- مدافعان مبنا قرار دادن **هر دو منبع** (قرآن و احادیث نبوی و فلسفه اسلامی): نظیر دکتر جمیله علم‌الهدی، دکتر صادق‌زاده، دکتر کاظم اکرمی، دکتر محمود فتحعلی‌زاده.

۲. کسانی که از جزء مضاف در این اصطلاح، تلقی روشی - ساختاری دارند:

نظیر دکتر خسرو باقری و دکتر بهروز رفیعی

۳. کسانی که مدافع نگاه ترکیبی «اولاً محتوایی و ثانیاً روشی - ساختاری»

به جزء مضاف در این اصطلاح دارند. تقدم استفاده محتوایی و تأخر استفاده

روشی - ساختاری در تولید و تأسیس دانش فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی:

نظیر دکتر سعید بهشتی

قبل از پرداختن به تعریف فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ضروری است تا تعریفی از فلسفه اسلامی ارائه نمود. می‌توان از دو معنا برای فلسفه اسلامی سخن گفت:



فلسفه اسلامی به معنای اخص

➤ فلسفه اسلامی به معنای اخص با نگاهی درون دینی شکل می‌گیرد و حاصل کوشش عقلانی فیلسوف اسلامی برای کشف و شناسایی و پردازش و سازماندهی مفهومیها و گزاره‌های فلسفی نوشته شده در متن‌های دست اول اسلامی، یعنی قرآن کریم و سخنان معصومان (علیهم‌السلام) است (بهشتی، ۱۳۹۶: ۶۶).

فلسفه اسلامی به معنای اعم

➤ فلسفه اسلامی به معنای اعم با نگاهی برون دینی پدید می‌آید؛ بنابراین، نقطه شروع این قسم فلسفه اسلامی، تعقل‌های فلسفی خارج از چارچوب متن‌های اسلامی و اندیشه‌ورزی‌های عقلانی بیرون از محدوده مفهومی‌ها و گزاره‌های فلسفی مطرح شده در متن‌های نام برده است (بهشتی، ۱۳۹۶: ۶۶).

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

فلسفه تعلیم و
تربیت اسلامی

معنای اخص

معنای اعم

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به معنای اخص

➤ فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به معنای اخص، یکی از علوم فلسفی اسلامی است که با سه روش عقلی (تلاش عقلانی سازمان یافته و قاعده مند)، نقلی (استشهاد و استناد به قرآن و سنت معصومین علیهم السلام) و شهودی (کشفیات قلبی و شهودهای عرفانی بر پایه تهذیب نفس) به کشف و پردازش گزاره‌های فلسفی و تربیتی برگرفته از فلسفه اسلامی (به عنوان گذرگاهی) و قرآن کریم و سنت (به عنوان قرارگاهی) از یک سو و استطباق گزاره‌های فلسفی و تربیتی و نیز استنتاج و پردازش گزاره‌های تربیتی از سوی دیگر همت می‌گمارد (بهشتی، ۱۳۹۶: ۶۹).

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به معنای اعم

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به معنای اعم، یکی از علوم فلسفی اسلامی است که با دو روش عقلی و نقلی به کشف و پردازش گزاره‌های فلسفی و تربیتی برگرفته از علوم فلسفی و تربیتی بشری از یک سو و استطباق گزاره‌های فلسفی و تربیتی و نیز استنتاج و پردازش گزاره‌های تربیتی از سوی دیگر همت می‌گمارد (بهشتی، ۱۳۹۶: ۶۹).

فهرست منابع

- بهشتی، سعید. (۱۳۹۶). نظریه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه (نظریه حکمت متعالیه تعلیم و تربیت)؛ مفهومی‌شناسی و روش‌شناسی. قبسات، (۸۳)، ۳۷-۷۲.
- بهشتی، محمد. (۱۴۰۰). آموزه‌های تربیتی قرآن کریم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- شریعتی، سید صدرالدین. (۱۳۹۱). بررسی واژه تربیت در قرآن و سنت (نقدی بر به‌کارگیری واژه تربیت در معانی دینی). روانشناسی تربیتی، ۸ (۲۳)، ۶۱-۷۲.
- نقیب زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۸۵). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات طهوری.